

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۹

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال دهم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۶

تجلی مهدویت در ادبیات عاشورایی (مورد پژوهانه: مجموعه ادب الطّف)

مجید محمدی^۱

فرشته جمشیدی^۲

چکیده

بشر در طول تاریخ خود، مکتب‌ها و حکومت‌های زیادی را تجربه کرده است؛ ولی در هیچ یک از آنها گمشده خود را که عدالت و صلح و امنیت است، پیدا نکرده و پیوسته در ناکامی و شکست بوده است. امروز بشریت به دنبال اندیشه سیاسی دیگری است که ارزش‌های انسانی را در آن بیابد و آن، اندیشه سیاسی منجی است که در اسلام با حکومت مهدوی تحقق می‌یابد. موضوع مهدویت و منجی از موضوعاتی است که توجه ادیبان و شاعران را به خود معطوف داشته است. مطالعه و تعمق در این عرصه؛ بعد از ادبیات عاشورا، سهم چشم‌گیری را به خود اختصاص داده است. از این‌رو، مهدویات - به عنوان یکی از موضوعات شعری شیعی - گستره وسیعی از ادبیات شیعی را در دوره‌های گوناگون فراگرفته و کانون توجه شاعران فراوانی قرار گرفته است. از جمله، شاعران قرن اول تا چهاردهم هجری است که در مجموعه ده جلدی کتاب *ادب الطّف* تألیف جواد شبر، نام و اشعار عاشورایی آنها گردآوری شده است. برخی از این شاعران نیز در شعر خود ارادت خالصانه خویش را به محضر امام عصر علیه السلام اظهار داشته‌اند

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول) (mohammadimajid44@gmail.com).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه.

و در زمینه‌ها و موضوعات گوناگون درباره آن حضرت به سرایش پرداخته‌اند. لذا، این جستار بر آن است تا با رویکردی تحلیلی - توصیفی سیمای مهدویت را در پنج جلد نخست مجموعه ادب‌الطف پردازد و بازتاب مفاهیمی همچون غیبت، انتظار، دادخواهی، انتقام‌جویی، ادامه دادن راه اهل بیت و برپایی حکومت عدل را در اشعار آنان تبیین و تحلیل کند.

واژگان کلیدی

ادب‌الطف، شعر عاشورایی، منجی، مهدی موعود علیه السلام.

مقدمه

همهٔ ادیان و مذاهب به وجود منجی آخرالزمان ایمان دارند و به طریقی با نام‌های منجی دو عالم ارتباط تنگاتنگی از طریق ادبیات برقرار می‌کنند. زیرا «اعتقاد به ظهور منجی و مهدویت در معنای عام خود، یک باور دینی فراگیر در بین انسان‌ها بوده است. در ادیان مختلف، چنین اعتقادی به نحو ملموس و بارزی تجلی یافته است و منجی با تعابیر مختلفی چون؛ «مسیحا» در یهود و مسیحیت، «سوشیانت» در زرتشت و در نهایت «حضرت مهدی علیه السلام» در فرهنگ اسلامی یاد شده است.» (حکیمی، ۱۳۶۰: ۶۵) اعتقاد به ظهور نجات‌بخش جهانی در میان همهٔ انسان‌ها به صورت‌های گوناگون دیده می‌شود. عقیده مذکور از مصدر روحی سرچشمه گرفته است؛ زیرا از نویدهای پیامبران الهی در طول تاریخ بشر به مردم مؤمن و آزادی‌خواه جهان است. اعتقاد به منجی، امری فطری و درونی است؛ یعنی هر انسانی به طور طبیعی خواهان برقراری حکومت حق و عدل و برقراری صلح و آرمش است. «مردم با همه اختلاف‌های شان در عقیده و مذهب، دریافته‌اند که برای انسانیت در روی زمین، روز موعودی خواهد بود که با فرارسیدن آن، هدف نهایی و مقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد و مسیر آن - که در طول تاریخ، پرافراز و نشیب و پر تگاه بوده است - به دنبال رنجی بسیار، همواری و استواری لازم را می‌یابد.» (صدر، ۱۳۹۸: ۱۳) حتی این امر را در بین مردم غیر مذهبی و جوامع ماتریالیستی - با این که تنها تکیه‌گاه‌شان واقعیت مادی است و به غیر آن چه در جهان خارج وجود داشته و قابل لمس علمی است، نمی‌اندیشند - نیز می‌بینیم. «همه و همه در دل خود انتظاری را احساس می‌کنند؛ انتظاری که از وضع موجود بیرون رفته و به وضعی ایده‌آل و مورد نظر دست یابند.» (قائمی، بی تا: ۱۵) تبلور این حس معنوی در وجود شاعران که طبعی

لطیف تر دارند، نیز جلوه گر شده است؛ بشارت موعود، امری فطری، دینی و عقلی در تاریخ بشر به شمار می آید و همه در انتظار موعودی به سر می برند تا به پا خیزد و جهان را از قسط و عدالت فراگیر، سرشار سازد. منجی موعود مسلمانان، مهدی منتظر علیه السلام است؛ آن که برای نجات بشر از ظلم و تجاوز ستمکاران و متجاوزان می آید تا به پیکار با ظالمان برخیزد و یاور مظلومان باشد. اندیشه اعتقاد به منجی در شعر نیز نمایان شده است و بر این اساس یکی از موضوعات شعر شیعی، مهدویات است. مسئله مهدویت و ظهور قائم آل محمد علیه السلام، جزء بنیادی ترین و زنده ترین مسائل دینی، اعتقادی و اسلامی به خصوص از منظر مکتب اهل بیت علیهم السلام است، به همین دلیل شاعران معتقد و متعهد شیعی هر کدام به نوبه خود و طبق نیاز و اقتضائات زمان خود به نحوی درباره آن سخن گفته اند. در این جستار برآنیم تا به بررسی اشعار شاعران ادب الطّف که درباره مهدویت سروده شده بپردازیم و آن را از جوانب گوناگون مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم. مسئله غیبت از جمله مواردی است که شاعران در خلال اشعارشان به آن اشاره کرده اند. شاعران همواره از سرگردانی و رنجوری خویش در عصر غیبت سخن به میان می آورند و در فراق مولایشان ندبه سر می دهند. در خلال اشعار شاعران، مسئله چگونگی بهره مندی مردم از امام عصر علیه السلام - که در روایات به آن اشاره شده است - نیز به چشم می خورد. شاعران بی آن که امید از کف دهند از اشتیاق شان برای دیدار امام عصر علیه السلام سخن می گویند و در انتظار روزی به سر می برند که در آن هیچ ستم و تبعیض و تعدی نیست. آنان بی صبرانه چشم به راه تحقق حق و عدل هستند. شاعران شیعی - که هنوز داغ بزرگ ماجرای عاشورا را بر سینه دارند - در اشعارشان ظهور حضرت و خون خواهی خون جلدش امام حسین علیه السلام را خواستارند. از دیگر موضوعاتی که در اشعار شاعران این مجموعه به چشم می خورد، شکایت از وضع موجود و رواج ظلم و ستم است. از این رو شاعران ملتمسانه از خداوند متّان، تعجیل در فرج مولای شان را طلب می کنند تا به پا خیزد و ظلم و جور را از بُن برکند، عدالت آسمانی را برپا کند، حکومت خدایی را بنیان نهد و دولت قرآن را زنده نماید.

پیشینه پژوهش

کتاب ها و پژوهش های بسیاری پیرامون انتظار، غیبت و مهدویت به رشته تحریر درآمده است که از این دریای بی کران می توان به این آثار اشاره کرد: کتاب *الامام المهدی و ظهوره* (۱۹۸۵) نوشته سید جواد و سید حسین حسینی، کتاب *دشمنان مهدویت*، چرا و چگونه

(۱۳۸۶) تألیف محمد مهدی حامدی، *دادگسترجهان* (۱۳۷۹) نوشته ابراهیم امینی، کتاب *نقش انتظار در سیر تاریخ* (۱۳۶۰) عباسعلی اختری، کتاب *نگاهی به مسئله انتظار* (بی تا) نوشته علی قائمی، کتاب *امام مهدی* علیه السلام *حماسه ای از نور* (۱۳۹۸) تألیف سید محمد باقر صدرو همچنین مقاله «تجلی امام عصر علیه السلام در آینه شعر معاصر عربی» (۱۳۹۲) نوشته محسن سیفی واسما سلطانی فر اشاره کرد. پیرامون «أدب الطّف» هم پایان نامه هایی چند به رشته نگارش درآمده است از جمله زهرا سورنی در رساله خود با عنوان «تحلیل محتوایی و ساختاری رثای حسینی در جلد اول کتاب أدب الطّف» (۱۳۹۰، دانشگاه رازی)، به بررسی مهمترین مضامین و اسلوب های شعری در آن پرداخته است. افزون بر این، عزت الله دیاری نژاد در سال ۱۳۹۴ (دانشگاه رازی) به تحلیل محتوایی و ساختاری جلد دوم این کتاب و کبری عزیزی در سال ۱۳۹۶ (دانشگاه رازی) این مهم را در جلد چهارم این اثر، مورد بررسی قرار داده است. با بررسی هایی که انجام پذیرفت، پژوهشی که به بررسی سیمای حضرت مهدی علیه السلام در این مجموعه شعری پرداخته باشد، دیده نشده است. از این رو، مقاله حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی این مهم پرداخته است.

اهمیت پژوهش

جایگاه شاعران مهدویت به لحاظ دقت نظر ادیبانه، عاطفه صادقه در بیان و تمسک آنان به امام عصر علیه السلام، روشن و مبرهن است. حفظ و نگهداری آثار دینی و تاریخی به عنوان گنجینه فرهنگ و ادبیات که از نیاکان ما به یادگار مانده است از موضوعات مهمی است که همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. شاهکارهای مهدوی شاعران نیز از جمله میراث های ادبی - دینی به شمار می روند که با مطالعه در اندیشه و مضامین موجود در آنها، به فصل مشترکی که همانا یادآوری و حفظ آرمان های مقدس اسلامی است، پی می بریم. نزدیکی معانی، مفاهیم و مضامین مهدویت موجود در سروده ها و نوشته های شاعران، مبحث اصلی این مقاله است که نویسندگان تلاش می کنند تا بتوانند فصل های مشترک را که در قالب غیبت، انتظار، دادخواهی، انتقام جویی، ادامه دادن راه اهل بیت علیهم السلام و برپایی حکومت عدل نمود یافته است، بنمایانند.

پردازش تحلیلی موضوع

اندیشه اعتقاد به منجی موعود در شعر - که آینه تمام نمای افکار و اندیشه های ملل است - نیز نمودار شده است. بر این اساس، از جمله موضوعات شعر شیعی، مهدویات

است. مهدویات به مجموعه قصاید و قطعات شعری اطلاق می شود که به موضوع اعتقاد به مهدی عجل الله تعالی فرجه واستنهاض آن حضرت می پردازد. (سیاحی، ۱۳۸۵: ۶۵) سخن از امام عصر عجل الله تعالی فرجه و ظهور ایشان در خلال اشعار شاعران به سال ها پیش از ولادت آن حضرت باز می گردد. کُمیت بن زید اسدی در ضمن اشعاری - که در محضر امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه و در رثای شهیدان کربلا سروده است - به صراحت از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه و برپایی دولت حق ایشان خبر می دهد:

مَتَى يَقُومُ الْحَقُّ فَيَكُمُ مَتَى يَقُومُ مَهْدِيكُمُ الثَّانِي

(اسدی، ۲۰۰۰: ۵۵۷)

چه موقع حق در میان شما حکم فرما می شود؟ و چه موقع مهدی دوم شما قیام خواهد کرد؟

دعبل خزاعی نیز در تائیه مشهور خویش - که آن را در رثای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سروده است - از خروج امامی خبر می دهد که بر اساس عدالت حکم خواهد کرد:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَمْ حَالَهُ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ
يَمِيزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَيَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالنَّقَمَاتِ

(خزاعی، ۱۹۷۲: ۶۵)

امید من به خروج امامی است که حتماً ظهور می کند و به نام خدا همراه با انواع برکت ها قیام می کند / حق و باطل را از هم جدا نموده و خوبی ها و بدی ها را پاداش و کیفر می دهد.

محیی الدین بن عربی - از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیه - ابیاتی درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه سروده است:

هُوَ السَّيِّدُ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ أَحْمَدَ هُوَ الصَّارِمُ الْهِنْدِيُّ حِينَ يَبِيدُ
هُوَ الشَّمْسُ يَجْلُو كُلَّ غَمٍّ وَظُلْمَةٍ هُوَ الْوَابِلُ الْوَسْمِيُّ حِينَ يَجُودُ

(ابن عربی، ۱۹۹۹: ج ۱، ۲۹۶)

او، مهدی آل احمد است، و به هنگام نابودی [دشمنان] همچون شمشیر هندی است. او آفتابی است که هر غم و اندوه و ظلمتی را برطرف می کند و هنگامی که جود و بخشش می کند؛ همانند اولین باران بهاری است که زمین های تشنه را سیراب می کند.

در مجموع می‌توان گفت: حضور امام عصر علیه السلام در اشعار شاعران از سال‌ها پیش آغاز شده و از دیرباز در میان شاعران رواج داشته و شعرا در دوره‌های گوناگون و حتی پیش از ولادت امام عصر علیه السلام به این موضوع پرداخته‌اند تا بدین وسیله ارادت خویش به ساحت این امام بزرگوار را ابراز دارند و به دفاع از عقاید خویش بپردازند. آن چه اهمیت دارد این است که این حضور با گذشت زمان نه تنها کم‌رنگ نشده، بلکه روز به روز پررنگ‌تر گردیده است؛ دامنه اشعاری که در این موضوع سروده شده بسیار گسترده و پر شمار است. از این رو پرداختن به این امر و بررسی آن، نیازمند تلاش و تحقیقی گسترده است. در این نوشتار کوشیده‌ایم با بررسی اشعار شاعران *ادب‌الطّف*، گوشه‌ای از اشعار مهدویّت را واکاوی نماییم.

دلدادگی و ابراز علاقه

در تاریخ ادبیات موعود، جلوه‌های عاشقانه و دلدادگی و ابراز عشق و ارادت به امام عصر علیه السلام از جمله مضامینی است که در اشعار شاعران تجلی یافته است. *در ادب‌الطّف* نیز این عشق و ارادت با ابعاد زمانی، مکانی درهم آمیخته که گاه با شوق وصال، گاه با فراق یار چنان ساحتی را در منظر مخاطب ترسیم می‌کند که گویی ادبیاتی برآمده از مکنونات حسی - عاطفی خواننده است که زمان و مکان را در طرّفه‌العینی از کف داده و در دنیای گمشده خویش سیر می‌کند. با این اوصاف تأثیر شعر انتظار، بستری لطیف و عاطفی برای گفتگو با منتظر و موعود است که شاعر با حساسیت تمام آن را در تعریف به موعود باوری در شعر خود بازتاب می‌دهد؛ چرا که «شعریک پدیده انسانی برای انسان‌هاست.» (پدرقمی، ۱۳۵۵: ۱۴) شاعر به سبب ارادت و علاقه‌ای که به اهل بیت و ائمه معصوم علیهم السلام از جمله حضرت مهدی موعود علیه السلام دارد، آرزو مند است که رخسار مبارک آن حضرت را زیارت کند:

والعسکریّین الذّین بحبّهم أرجو إذا أبصرت وجه الحجّه

(به نقل از شبّر، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۷۳)

امام عسکریین (امام دهم - علی بن محمد - و امام یازدهم - حسن عسکری علیه السلام)
کسانی که دوستدار آنان هستم و آرزو دارم که به سبب دوستی آنان چهره مبارک
حضرت حجت علیه السلام را ببینم.

عَرَامِي بِنَاءً عَنْ عَنَانِي وَفَكْرَتِي تَمَثَّلُهُ لِلْقَلْبِ فِي السَّرِّ وَالنَّجْوَى
هُمُ الْقَوْمُ مِنْ أَصْفَاهُمْ الْوَدَّ مُخْلِصاً تَمَسَّكَ فِي أَخْرَافِهِ بِالسَّبَبِ الْأَقْوَى
هُمُ الْقَوْمُ فَاقُوا الْعَالَمِينَ مَأْثَرًا مُحَاسِنُهَا تَجَلَّى وَأَيَاتُهَا تَرَوَى
(به نقل از شبیر، ۱۴۰۹: ج ۴، ۱۰۷)

عشق و محبت من نسبت به اهل بیت بر روی من و افکارم استوار است (ریشه در باور من دارد) و اندیشه ام با راز و نجوی آن برای قلبم جلوه گرمی سازد / آنها کسانی هستند که در دوستی و الفت خالص هستند این مهم ترین علتی است به او احترام بگذارید / آنها کسانی هستند که رفتار و کردار شایسته آنها بر جهانیان برتری یافته و نیکی های شان تجلی یافته است و زبانزد همه گشته است.

بی تردید طرح این مسئله [عشق به امامی که حاضر و ناظر بر اعمال ماست] برای همگان به خصوص عاشقان و شیعیان حضرت مهدی علیه السلام بهترین و مؤثرترین نکته تربیتی را به همراه دارد، زیرا هنگامی که انسان شخصی را دوست دارد، تلاش می کند هر کاری که انجام می دهد در راستای راضی نگه داشتن او باشد. شیعه عاشق امام زمان علیه السلام که دوستدار امام عصر علیه السلام خویش است، او را ناظر بر اعمال خود دانسته و سعی می کند به گونه ای رفتار کند که مطابق میل و خشنودی آن امام عزیز باشد. فرد مؤمن و معتقد در کنار سایر اعتقادات دینی این باور مذهبی را نیز مورد توجه قرار دهد که نه تنها خداوند از طریق ناظران و مراقبان چون فرشتگان خود بر ما و اعمال ما نظارت نامحسوس دارد، بلکه انسان کامل و امام هر عصر به عنوان خلیفه او نیز به طور نسبتاً محسوس ناظر اعمال انسان است و در این عصر همه رفتارهای ما تحت نظارت مستقیم و غیرمستقیم امام زمان علیه السلام قرار دارد و حضرت گذشته از آن که شاهد اعمال ماست، هر هفته، نامه اعمال ما به محضرو حضور او عرضه می شود. در این صورت به طور یقین مواظبت و مراقبت بیشتر خواهد نمود که عمل خلافی از او سر نزنند، و از این رهگذر مؤمن برای اینکه دل امام زمانش از او نرنجد تلاش خواهد کرد که در حضور و محضر او ادب انسانی و اخلاق الهی را مراعات کند و به انجام وظایف بندگی خود پای بندی بیشتری داشته باشد.

غیبت

غیبت از دیگر مضامینی است که در اشعار مهدوی / ادب / الطّف مشاهده می شود. در این راستا لازم به ذکر است که «همواره در بین انسان ها، نهضت هایی به منظور آزادی از قید

اسارت طاغوت‌ها صورت می‌گرفته و این نهضت‌ها توسط فرستادگان الهی، رهبری می‌شده است. اما توده مردم، به شایستگی از رهبر نهضت قدردانی و طرفداری نمی‌کردند و قابلیت دریافت این نعمت بزرگ را نداشتند. در نتیجه رهبر برای مدتی از میان مردم غایب می‌شد. در طول مدت غیبت، مردم در اثر لمس کردن آثارشوم اسارت و طاغوت پرستی بیدار می‌شدند و وقتی به خود می‌آمدند و از روش عصیان و گناه و نافرمانی رهبر، توبه می‌کردند، رهبر به فرمان الهی در میان آنان آشکار شده، حق جویان را در طول مراحل نهضت، رهبری می‌کرد. این حقیقت را در تاریخ ادريس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی علیهم‌السلام و... مشاهده می‌کنیم.» (اختری، ۱۳۶۰: ۳۰) بنابراین اصل مسئله غیبت، مسئله‌ای جدید و انکارشدنی نیست؛ بلکه «هرگاه جامعه‌ای صلاحیت و قابلیت پذیرش رهبری را نداشت، به امر و حکمت خداوند متعال مدتی رهبر از جامعه غایب می‌شد.» (سیفی، ۱۳۹۲: ۱۴۷) با شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام دوران امامت امام عصر علیه‌السلام آغاز شد. عده‌ای معتقدند دوران غیبت صغری نیز در همین زمان - یعنی سال ۲۶۰ قمری - آغاز گردید. اما برخی برآنند که آغاز غیبت صغری همان زمان تولد حضرت - یعنی سال - ۲۵۵ بوده است. دوران غیبت صغری تا سال ۳۲۹ قمری ادامه داشت و سپس دوران دیگری از حیات امام عصر علیه‌السلام آغاز شد که از آن به غیبت کبری تعبیر می‌کنیم.

علی بن حماد عبدی، در قصیده‌ای به مسئله غیبت کبری اشاره کرده و بیان می‌دارد که امام هر چند از نظرها غایب است، اما بر اعمالی که آشکارا و در نهان انجام می‌دهیم، آگاه است و شاهد بر رفتار و گفتار ماست. شاعر، آمدن امام را مصادف با آمدن شادی و روشنی و برافراشته شدن پرچم پیروزی می‌داند:

فَيَا غَائِباً فِي خُطَّةِ الْقُدْسِ حَاضِراً وَيَا نَاطِراً مِنْ حَيْثُ نَدْرِي وَلَانَدْرِي
مَتَى يَنْجِزُ الْوَعْدَ الَّذِي قَدْ وَعَدْتَهُ وَتَأْتِي بِهِ الْأَوْقَاتُ مِنْ زَاهِرِ الْعَصْرِ
حَقِيقٌ عَلَى الرَّحْمَانِ إِنْجَازُ وَعْدِهِ وَتَبْلِيغُهُ حَتَّى نَرَى رَايَةَ النَّصْرِ

(شبر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۱۸۵)

ای غایبی که در سرزمین مقدس حضور داری، وای شاهی که ظاهر و نهان را می‌دانی / چه زمانی وعده‌ای داده شده، محقق می‌گردد و با آن زمانی را با خود می‌آوری که از بهترین عصرهاست؟ (کی وعده آوردن جامعه آرمانی تو محقق

می‌شود) / سزاوار است که خداوند به وعده‌اش عمل کند و آن را ابلاغ کند تا ما هم پرچم پیروزی را ببینیم.

مقدّرات الهی به گونه‌ای رقم خورده که خداوند - از آن جا که زمین نباید هرگز از حجت او خالی بماند و قوام هستی به حضور و قیام حجت حق است - برای حفظ جان حجت خویش آغاز امر واقعی غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام را پیش از تولّد آن حضرت در رحم مادر بزرگوارش نرجس خاتون مقدر نماید. (حامدی، ۱۳۸۶: ۱۱) شاعر نیز به این مهم اشاره دارد که زمین خداوند از حجت او خالی نیست، بلکه در سرزمین مقدس حاضر و ناظر بر ماست و در روزی که خداوند وعده داده است، ظهور خواهد کرد.

انتظار

انتظار از دیدگاه لغوی، به معنای چشم به راه بودن، و نوعی امید به آینده داشتن است. در اعتقادات شیعه، انتظار آمیدی به آینده‌ای نویدبخش و سعادت آفرین است که در آن به رهبری امامی بزرگوار، جهان از مفاسد و بدبختی‌ها رهایی یافته و راه خیر و صلاح، آسایش و امنیت را در پیش گیرد (قائمی، بی‌تا: ۱۳) در اهمیت انتظار همین بس که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام آن را برترین عبارت بر شمرده‌اند. امام علی علیه السلام فرمودند:

انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ
(مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۱۲۳)

منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید؛ زیرا خوشایندترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است.

امام صادق علیه السلام در حدیثی آنان را که در زمان غیبت امام، منتظر ظهور اویند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، اولیای خدا می‌داند؛ همان‌ها که نه ترسی برایشان هست و نه اندوهگین می‌شوند:

طَوَّبَ لَشَيْعَةِ قَائِمِنَا، الْمُتَنَظِّرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (همو: ۱۵۰).

بی‌تردید منظور از انتظار، همان چشم به راه بودن همراه با حرکت و پویایی است و این نوع انتظار، سازنده است. انتظار این که از وضع موجود به درآیند و به وضعی ایده‌آل دست یابند. پیروان همه ادیان عقیده دارند که در یک عصر تاریک و بحرانی جهان - که فساد و

بیدادگری و بی‌دینی همه‌جا را فراگرفته است - نجات‌دهنده‌ای بزرگ ظهور می‌کند و با نیروی فوق‌العاده خود اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادی‌گری غلبه می‌دهد. (امینی، ۱۳۷۹: ۶۶) انتظار ظهور به عنوان یک آموزه دینی و مذهبی باید بگونه‌ای طرح و تفسیر شود که روحیه تحرک، پویایی در جهت تکامل معنوی، احیای معارف و دستورات آسمانی و نشر حقایق دینی و زمینه عمل به آموزه‌های مذهبی را در میان افراد جامعه بیشتر ایجاد کند و مردم را به سوی زندگی همراه با معنویت سوق دهد و حیات دینی و معنوی را در کالبد فرد و جامعه تزریق نماید، چون اسلام دین زندگی و حیات در ابعاد مختلف آن است. وقتی صحبت از «انتظار» و «منتظر» می‌شود؛ در حقیقت ادبیاتی را می‌طلب که در آن ذائقه‌ها و نگاه‌ها به مقوله تأثیرگیری و تأثیرپذیری آن از زبان «احساس و قالب» از طریق مفاهیم عرفانی - دینی در باور ادبیات فارسی به مرحله ظهور رسد، چرا که ادبیات «انتظار و موعود» ادبیاتی می‌باشد که با زبان بلیغ و رسای خود شعرا بینی را رونق می‌بخشد. شاعران نیز با ذکر دردها و مشکلات و مصائبشان، از انتظار خود برای رسیدن دستی از غیب سخن به میان می‌آورند و تحقق حکومت حق و عدل را چشم در راهند. در بخش فراگیر شدن ظلم و فساد و انتظار برای برپایی حکومت حق و عدل، به این دسته از اشعار اشاره خواهیم کرد. مهیار دیلمی، امام مهدی علیه السلام را با عنوان شفا بخش قلب اندوهگین یاران ایشان و یاری رس ضعیفان و مظلومان یاد می‌کند و عارض است که دل او در روزگار انتظار ناآرام و بی‌قرار است و منتظر ظهور امام و لیبیک گفتن به دعوت ایشان است:

عَسَى الدَّهْرُ يَشْفِي غَدًا مِنْ عَدَا	کِ قَلْبٍ مُغِیْظٍ بِهِمْ مُکَمَدِ
عَسَى سَطْوَةُ الْحَقِّ تَعْلُو الْمُحَالَ	عَسَى يَغْلِبُ النَّقْصُ بِالسُّؤْدِ
وَقَدْ فَعَلَ اللَّهُ لِكُنْیَ	أَرَى كَيْدِي بَعْدُ لَمْ تَبْرُدِ
بِسْمَعِي لِقَائِكُمْ دَعْوَةَ	يُلَبِّي لَهَا كُلُّ مُسْتَنْجِدِ

(شبر، ۱۴۰۹: ۲، ۱۸۵)

امید است که روزگار، فردا قلب خشمگین و اندوهگین یاران را از دشمنان شفا بخشد / امید است که قدرت حق، غیر ممکن را برتری بخشد و امید است کمبود از بین برود و سروری از آن ضعیفان باشد / بدون تردید خداوند این امر را محقق کرده است ولی دل من هنوز خنک و آرام نگشته است / من منتظر قائم علیه السلام شما هستم که هر شخص یاری خواه به آن لیبیک خواهد گفت.

چشم به راه بودن، یا انسان را به غربت و انزوا می کشاند، یا باعث حرکت و پویایی و اقدام برای آمادگی بیشتر می شود. در شعر دیلمی شاهد حالت دوم هستیم. شاعر امیدوار است که با ظهور امام اندوه ناشی از ظلم ظالمان زدوده و حکومت عادلان و صالحان برقرار گردد. از جمله وعده های قطعی خداوند، حاکمیت ضعیفان و مستضعفان است:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾
(قصص: ۵)

گرچه این آیه در ضمن آیات مربوط به بنی اسرائیل وارد شده است. (قرطبی، ۱۴۰۵: ج ۱۳، ۲۴۹) ولی منحصر به آنان نیست. حتی اگر درباره آنان نیز نازل شده باشد شأن نزول مخصّص آیه نیست. (حجّتی، ۱۳۷۲: ۱۰۳)

گاه فعل امر در بیان خطابی نسبت به خداوند سبحان بوده که جنبه دعایی به خود گرفته است؛ برای نمونه شاعر در ابیات با استفاده از افعال امر از خداوند طلب ظهور امام عصر علیه السلام و مبارزه با جور و ستم توسط ایشان را دارد که بدین ترتیب این افعال از معنای نخستین خود دور شده و در معنای مجازی دعا استعمال شده اند؛ لیکن با توجه به محتوای ابیات که پیرامون مبحث انتظار است می توان مراد از این افعال را رجاء و امید نیز دانست:

فَأَدْرِكَ الثَّارَ مِنْهُمْ وَانْتَقِمِ لِبَنِي الزَّهْرَاءِ	مِمَّنْ لَهُم بِالْبُغْضِ قَدْ دَانَا
بِالْقَائِمِ الْخَلْفِ الْمَهْدِيِّ مَنْ نَطَقَتْ	بِهِ الْبَشَائِرُ اسْرَاراً وَإِعْلَانَا
أَظْهَرِ بِهِ دِيْنَكَ اللَّهُمَّ وَامْحُ بِهِ	مَا كَانَ أَحْكَمَهُ الشَّيْطَانُ بُنْيَانَا

(شبر، ۱۴۰۹: ج ۵، ۲۲۵)

پس منتقم آنان را یاری کن و انتقام فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام را از کسانی بگیر که با کینه شان نزدیک شدند / به وسیله قائم و جانشین و مهدی علیه السلام؛ آن که بشارت ها به صورت پنهان و آشکار از او سخن گفته اند / خداوند! به وسیله او دینت را آشکار کن و آن چه را که شیطان بنیانش را محکم کرده است، نابود ساز.

مراد از استعمال فعل امر «خُذْ» در بیت زیر از بحرانی نیز رجاء و امید است:

مَوْلَايَ خُذْ بِيَدِي عَدَاً مَعَ الْوَدَىِّ وَمَنْ عَدَا فِي الْحُبِّ مِثْلِي مَغْرَمَا

(شبر، ۱۴۰۹: ج ۵، ۲۵۷)

سرورم! فردا دستان مرا همراه با پدر و مادرم بگیر و چه کسی به مانند من در عشق
(شما) دلباخته شده است؟

این ابیات در حقیقت موعود باوری شاعران را با ملموس‌ترین احساس‌ها همراه می‌کنند. اوج‌گیری منتظرانه‌ای که در نهایت با عاشقانه‌ترین پیامد معنوی همراه می‌شود. مقدس‌ترین لحظه‌ای که شاعر را به فغان وامی‌دارد. آنها با تلفیق التذاذ روحی - روانی انتظار و فراق، پربسامدترین شوق انتظار را بردوش افعالی افکنده که با بافتی هنرمندانه اوج احساسات خود را صراحتاً بر زبان آورده و آرزو می‌کنند که مهدی موعود عجله تعالی بآفرین بیاید و با نابودی ظلم و ستم، تحوّل عمیقی را در کائنات پدید آورد.

شایان ذکر است که شاعران در ابیات مذکور، به دلدادگی و عشق وصف‌ناپذیر خود به امام زمان عجله تعالی بآفرین توجه نشان می‌دهند. هرچند با شکوه و گلایه از روزگار و موانع موجود در آن به زبان اعتراض نیز روی آورده‌اند، اما باز هم چشم به راه بودن را لذت بخش می‌دانند. در حقیقت شاعران با طرح این اشعار، دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های خود را در به دست آوردن یک دوست ثابت قدم که در کوره راه نامساعد جامعه و زندگی همیشه و همه حال با او همراه و همگام باشد را آرزو می‌کنند. اشعاری سرشار از تعهد و دین‌محوری در پیرامون موعود و انتظار، که هر کدام در جایگاه خود به پاره‌ای از احساسات مردمی برمی‌گردد. در حقیقت شعر موعود از تحولی دلچسب و شیرین نشأت گرفته که شاعران با آزادی تمام به احساس‌های درونی خود مجال تأمل و تعمق داده‌اند؛ شعری که در رهگذر زمان همیشه تداعی‌گر کسی است که حتماً خواهد آمد.

بهره‌مندی مردم از امام در زمان غیبت

یکی از آموزنده‌ترین نکته‌ها در بحث مهدویت که اثربریتی عمیقی به همراه دارد، آن است که حضرت مهدی عجله تعالی بآفرین به طور مستقیم و غیرمستقیم ناظر بر عملکرد ماست. چون در روایات متعدد این مسئله مطرح شده که اعمال مردم هر هفته به انسان کامل و حجت الهی عرضه می‌شود، چه این که او به عنوان خلیفه خداوند در زمین به طور مستقیم ناظر بر عملکرد انسان‌هاست و در قیامت به عنوان شاهد و گواه نسبت به اعمال انسان گواهی می‌دهد. از این رو، شیعیان به هنگام نیاز و در تنگنا قرار گرفتن و برای یافتن صراط مستقیم از آن امام همام شفاعت می‌طلبند و یاری می‌جویند. استغاثه که همچون مفاهیم دیگر شعری از فراق و دوری یار نشأت می‌گیرد، یکی از آن مضامین پرباری است که در اشعار

مورد بررسی با عجز از این همه انتظار ارائه می شود. شاعران عجز و ناتوانی از این همه فراق و انتظار را به شکل غیرمستقیم و با تلمیحی آکنده از درد و رنج به شکل ماهرانه ای در شعرشان تداعی می کنند. در روایات وجود مقدس امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف، به خورشید پشت ابر تشبیه شده است؛ یعنی مردم همان گونه که از خورشید پشت ابر بهره مند می گردند، از نور وجود امام زمان علیه السلام در روزگار غیبتش بهره می برند. چنین روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به این سؤال که آیا شیعه در زمان غیبت از امام مهدی علیه السلام بهره مند می شوند، فرمود:

إِی وَالَّذِی بَعَثَنِی بِالنُّبُوَّهِ إِنَّهُمْ لَیَنْتَفِعُونَ بِهِ وَیَسْتَضِیُّونَ بِنُورِ وَلاَئِهِ فِی غَیْبَتِهِ کَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَلَهَا السَّحَابُ (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۹۳)؛

آری، سوگند به آن که مرا به رسالت مبعوث کرد، همانا شیعه از او بهره مند می شوند و از نور ولایتش در زمان غیبت ایشان بهره مند می گردند، همان گونه که مردم از خورشید پشت ابر بهره می برند.

خزاعی نیز از حزن و اندوه اش در دوران غیبت می گوید که صرفاً حضور امام سبب گشته قلب و وجودش آرام گردد و از شدت غم و اندوه پاره نشود:

فَلَوْلَا الَّذِی أَرْجُوهُ فِی الْیَوْمِ أَوْغِدِ تَقْطَعُ نَفْسِی إِثْرَهُ حَسْرَاتِی
خُرُوجِ إِمَامٍ لَا مُحَالَةَ خَارِجٍ یَقُومُ عَلَی إِسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَکَاتِ
(شبر، ۱۴۰۹: ج ۱، ۲۹۹)

اگر امید و آرزوی کسی که امروز یا فردا خواهد آمد، نبود قلبم از درد و اندوه پاره می شد / اما بی شک خواهد آمد در حالی که قیام او با برکت های الهی همراه خواهد بود.

برخی از شاعران نیز جهت برآورده شدن حاجات خویش، به آل محمد علیهم السلام و حضرت مهدی علیه السلام پناه می برند و آنان را واسطه بین خود و خدا می دانند. «ابن العودی نیلی» از پروردگار خود خواسته که به حق آل محمد علیهم السلام و امام مهدی علیه السلام که از خاندان آنان است او را مورد رحم و بخشش قرار دهد:

فَیَا رَبِّ بِالأَشْبَاحِ آلِ مُحَمَّدٍ نَجُومُ الْهُدَى لِلنَّاسِ وَالشَّرْقُ مَظْلَمٌ
وَبِالْقَائِمِ الْمَهْدِی مِنْ آلِ أَحْمَدَ وَأَبَائِهِ الْهَادِیْنَ وَالْحَقِّ مُعَصَّمٌ
(به نقل از شبر، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۳۰)

پس ای پروردگار به حق محمد و آل محمد علیهم السلام که ستارگان هدایت بر مردم و طلوع و روشن کننده تاریکی و گمراهی هستند / به حق حضرت مهدی علیه السلام که از خاندان احمد و پیروان هدایتگرش و حقیقی پاک است.

انسان در مسیر پرفراز و نشیب خود، آن گاه که در سیل حوادث و ناگواری ها قرار می گیرد، به افراد و اسبابی که می توانند به نحوی موانع و مشکلات او را حل کنند، چنگ می زند که بلکه راهگشای گره های زندگی شوند. در اسلام، مسلمانان آن گاه که دچار مصیبت و مشکلی می شوند ائمه اطهار را واسطه خود و خداوند قرار داده و از آنها می خواهند شفاعت آنان را نزد خداوند کنند و خداوند به برکت وجود مبارک ایشان گره از کار آنها بگشاید. همواره مسلمانان از جمله شاعران برای برآورده شدن خواسته های شان به ایشان پناه برده اند و خداوند را به پاکی و طهارت آن بزرگوار سوگند می دهند تا آنها را از گمراهی رهانیده و بر طریق حقیقت رهنمون شود. این امر بیانگر آن است که شاعران به جنبه معنوی و الهی وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه التریف اشاره کرده اند و این به جهت آن است که غیبت آن حضرت همانند ظهورش پربرکت، نجات بخش و مؤثر است، زیرا وظیفه امام تنها بیان صوری معارف و راهنمایی ظاهری مردم نیست و امام چنان که وظیفه راهنمایی صوری مردم را به عهده دارد هم چنان ولایت و رهبری باطنی اعمال را عهده دار است و اوست که حیات معنوی مردم را تنظیم می کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می دهد. بدیهی است که حضور و غیبت جسمانی امام در این باره تفاوت ندارد، و امام از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشراف دارد اگرچه از چشم جسمانی آنها مستور است.

تحقق آرمان های اسلام

مهدویت از نظر اجتماعی نیز اهمیت دارد؛ زیرا مهدویت نگاه روشن و امیدوارانه به آینده بشریت است. جامعه ای که آرمانش رسیدن به مدینه فاضله مهدوی است، جامعه ای امیدوار است و در پرتو دین، به حرکت و نشاط و پویایی، امید دارد و از یأس و نومیدی در امان خواهد بود. (بالادستیان و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۲) اسلام که با پیامبر اسلام ظهور یافت و با عاشورا زنده نگاه داشته شد اینگونه جامعه ای را در سایه خود دارد. «جامعه ای که به آینده زیبا و آرمانی امیدوار است، همین امروز به صلاح و اصلاح می پردازد و با ارزش های اسلامی و انسانی احیاء می شود. بدین سان مهدویت، بهترین

عامل برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن و بسترسازی برای ترویج فضائل در افراد جامعه است.» (همو) از این رو، برای تحقق این هدف قیام امام حسین علیه السلام ادامه پیدا می‌کند و دستاورد کار امام حسین علیه السلام در عصر ظهور آشکار می‌شود. خطی که سیدالشهداء علیه السلام در عالم ترسیم کرده است تا روز ظهور ادامه پیدا می‌کند. اسلام دین مبارزه با ظلم‌ها و ستم‌ها است که پیامبر آن را بنا نهاد و امامان معصوم آن را ادامه دادند. حضرت علی علیه السلام با خوابیدن در بستر پیامبر و امام حسن و امام حسین و سایر ائمه علیهم السلام با شهادت و بخشیدن جان خویش در راه آرمان‌های اسلام راه پدر و جد خویش را ادامه دادند و این مسیر هم‌چنان ادامه دارد و آرمان و هدف و غایت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه نیز تداوم بخشیدن اسلام و راه پیشینیان است. شاعران ادب الطّف نیز این امر را به تصویر کشیده‌اند:

معشّر منهم رسول الله والـ	کاشفُ الكرب، إذا الكربُ عرا
صهره الباذلُ عنه نفسه	وحُسامُ الله في يومِ الوعى
أولُ الناسِ إلى الدّاعى الذى	لم يقدّم غيره لَمّا دعا
ثمّ سبطاهُ الشّهيدين فذا	بحسى السّمّ وهذا بالطّبا
وعلى وابْنُهُ الباقِرُ والصّبا	دقّ القولُ وموسى والرّضا
وعلى وأبوهُ وابْنُهُ	والذى يَنتظِرُهُ القومُ عدا

(شبر، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۳۰)

گروهی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آنان بود، کسی که به هنگام فراگیر شدن سختی‌ها، برطرف کننده غم‌ها است / داماد او که جان‌ش را فدای پیامبر نمود و شمشیر برنده خداوند در روز نبرد / اولین کسی که زمان دعوت پیامبر به اسلام و اوایمان آورد و کسی که در اسلام آوردن کسی بر او پیش نگرفت / سپس دونوه شهیدش یکی به وسیله نوشیدن زهر و دیگری به وسیله تیزلبه شمشیر شهید گشت / علی بن الحسین و فرزندش باقر و صادق راست گفتار و موسی کاظم و رضا / و علی به همراه پدر و فرزندش و کسی که مردم منتظر ظهور او هستند.

هم‌چنان‌که عنایت و لطف الهی اقتضاء می‌کند اشخاصی در میان بشر پدید آیند و ظایف انسان را درباره توحید و یگانه‌پرستی و سایر تکالیف الهی از طریق وحی دریافت کنند و به مردم تعلیم دهند، هم‌چنین ایجاب می‌کند که حقایق و معارف وحی همواره در

میان مردم محفوظ بماند و افرادی پیوسته وجود داشته باشند که دین خدا نزد آنها محفوظ باشد و در وقت مصلحت به طور کامل احکام خدا در زمین اجرا شود. در میان آورندگان وحی، ابراهیم خلیل علیه السلام از کعبه ندای توحید سر داد و مقام ختمی مرتبت به عنوان آخرین فرستاده خداوند منادی توحید از کعبه بود و در میان حافظان دین پیامبر خاتم، مهدی موعود علیه السلام به عنوان آخرین سلسله اوصیاء معصوم پیامبر، روزی از کعبه ندای توحید سر خواهد داد و پرچم رهایی انسان را از زیر ظلم و ستم سالاران، برافراشته و آدم و عالم را از بیداد ستمکاران نجات خواهد داد. به عبارت دیگر؛ بشر از روزی که در بستر زمین قرار گرفته است همواره آرزوی یک زندگی اجتماعی همراه با سعادت و آسایش را داشته و دارد، و به امید رسیدن چنین روزی لحظه شماری می کند و بر اساس تحلیل فلسفی اگر این خواسته انسان تحقق عینی و خارجی نمی داشت و در حد یک آرمان دست نیافتنی بود هرگز چنین آرزو و امید همگانی در نهاد بشر نقش نمی بست چنان که اگر غذایی نمی بود گرسنگی هم نبود و اگر آبی وجود نمی داشت تشنگی تحقق نمی گرفت، پس معلوم می شود به حکم ضرورت و جبر تکوینی آینده جهان روزی را به خود خواهد دید که در آن روز جامعه بشری به آرزوی خود برسد و در کنار هم در صلح و صفا با هم زیستی مسالمت آمیز همراه با معنویت و غرق در فضیلت و کمال زندگی نماید. این حقیقت بدست توانای انسانی که از او در معارف دینی به مهدی و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم یاد شده عینیت می یابد و این تحقق آرمان های متعالی اسلام است.

خون خواهی و انتقام

انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام و اجرای عدالت از مهم ترین مأموریت های حضرت به شمار می رود. «منتقم» یکی از القاب آن حضرت است که انتقام خون به ناحق ریخته شده امام حسین علیه السلام را می گیرد. در روایات نیز به این مسئله اشاره شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ مَا كَانَ صَجَّةَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَقَالَتْ: يَا رَبِّ يَفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ. قَالَ: فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ علیه السلام وَقَالَ: يَهْدَا أُنْتَقِمُ لَهُ مِنْ ظَالِمِيهِ (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۱، ۶۸).

در آن ساعتی که دشمنان، حسین علیه السلام را به قتل رساندند، فرشتگان در حالی که ناله سر داده بودند، خطاب به پروردگار عرض کردند: پروردگارا، آیا با حسین برگزیده و

فرزند پیامبرت چنین می‌کنند؟ آن‌گاه خداوند متعال شبح قائم را به آنان نشان داد و پس از اشاره به آن فرمود: این قائم از دشمنان حسین علیه السلام انتقام خواهد گرفت.

در دو فراز از فرازهای زیارت عاشورا نیز از خداوند، خون خواهی حسین علیه السلام با یاری امام عصر علیه السلام را می‌طلبیم. در ادب الطّف نیز شاعر چشم به روزی دارد که امام قیام کند و در راه انتقام از دشمنان اهل بیت همراه امام عصر علیه السلام به مبارزه برخیزد و در این مسیر کشته شود:

إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَنَالَهُم مَتَى يَدْ تَشْفِي جَوَى الصِّدْرِ
بِالْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ إِنْ عَاجَلًا أَوْ آجَلًا إِنْ مَدَّ فِي الْعُمَرِ
أَوْ يَنْقُضِي مِنْ دَوْنِهِ أَجَلِي فَاللَّهُ أَوْلَى فِيهِ بِالْغَدْرِ
(شبر، ۱۴۰۹: ج ۱، ۳۳۳)

آرزو دارم که به آنها برسم، چنان‌که دلم آرام گیرد / همراه با صاحب زمان علیه السلام چه در حال و چه در آینده اگر عمرم تداوم یابد / یا این‌که به خاطر آنها پایان یابد (در راه آنان کشته شوم) و خداوند در این مورد شایسته است (خداوند خود می‌داند با آنان چگونه برخورد کند).

بنابر روایات، در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام، انتقام خون امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای بزرگوار کربلا گرفته خواهد شد. از حضرت امام صادق علیه السلام راجع به فرموده خدای تعالی: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَشْرَفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مُنْصُورًا»؛ و هر آن‌که مظلوم کشته شود، پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم [بر قاتل]، پس مباد در کشتن اسراف کند که او منصور است» (اسراء: ۳۷) پرسیده شد؛ فرمود: «آن قائم آل [بیت] محمد صلی الله علیه و آله است، ظهور می‌کند و به [انتقام] خون حسین علیه السلام [دشمنان او را] می‌کشد. پس چنان‌چه اهل زمین را به قتل برساند، مسرف نخواهد بود. (بحرانی، ۱۳۷۶: ۲۲۵-۲۲۶)

در دعای ندبه نیز از امام مهدی علیه السلام به عنوان منتقم خون شهدای «کربلا» یاد شده است:

أَيُّنَ الظَّالِمِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؛

کجاست آن‌که به خون خواهی شهید کربلا به پا می‌خیزد؟ (مجلسی، بی‌تا: ج ۹۵، ۲۹۲)

سید ماجد هاشم البحرانی، در بیت زیر خطاب به بنی امیه از وجود منتقم خون شهیدان کربلا خبر داده است:

بَنی اُمیّه لَا نَامَت عُیُونُکُمْ فَتَمَّ طَالِبٌ وَتَرِ غَیْرِ مَوْتُورِ
(شبر، ۱۴۰۹: ج ۵، ۸۱)

ترجمه: ای بنی امیه! چشمان تان نخوابد (آسایش نداشته باشید) آن جا طلب کننده خون (شهیدی) وجود دارد که هنوز انتقامش گرفته نشده است.

محمد بن نفع الحلی، در ابیات زیر بر انتقام قطعی مهدی موعود علیه السلام از کشته شدگان روز عاشورا تأکید ورزیده و امیدواری خود به ظهور مبارک آن حضرت را ابراز داشته است:

وَلَسَوْفَ یَدْرِکُ ثَارَهُمْ مَهْدِیْهِمْ وَأَنَا لَیْسُومَ ظُهُورُهُ أَتَوَقَّعُ
إِنْ لَمْ أَكُنْ أَدْرَکْتُ نُصْرَةَ جَدِّهِ فَبِنَصْرِهِ فِیْمَا بَقِیَ أَتَطْمَعُ
(شبر، ۱۴۰۹: ج ۵، ۱۵۳)

و مهدی آنان انتقام شان را خواهد گرفت و من چشم انتظار روز ظهور او هستم / اگرچه من به یاری جد او نرسیدم، در آن چه باقیست، آرزومند یاری او هستم.

سید علی خان المدنی، ضمن تقبیح عمل امویان، بر انتقام گرفته نشده امام حسین علیه السلام و همراهان ایشان اشاره کرده است:

بَنی اُمیّه هَبَّوْا لَا أَبَا لَکُمْ فَطَالِبُ الْوَتْرِ مِنْکَ غَیْرِ مَوْتُورِ
نَسِیْتُمْوَا أَمْ نَنَاسِیْتُمْ جَنَایَتَکُمْ فَتِلْکَ وَاللّٰهِ ذَنْبٌ غَیْرُ مَغْفُورِ
(شبر، ۱۴۰۹: ج ۵، ۱۷۹)

ای بنی امیه! ای بی پدران! طلب کننده خون (شهیدی) وجود دارد که هنوز انتقامش گرفته نشده / فراموش کردید یا جنایت خود را به فراموشی سپرده اید، و به خدا سوگند که آن گناهی غیر قابل بخشش است.

بلادی نیز در ابیاتی اعتقاد خود به مهدویت و ظهور امام مهدی علیه السلام به عنوان منجی عالم بشریت اشاره کرده است:

يَا حُجَّهَ اللّٰهِ يَا بَنَ الْعَسْکَرِیِّ تَرِی مَا نَحْنُ فِیْهِ مَرَارَاتٍ نُکَابِدُهَا
خَلِصَ مَوَالِیکَ يَا بَنَ الْمُصْطَفٰی فَلَقَدْ ضَاقَ الْخَنَاقُ وَخَانَتْهَا مَقَاصِدُهَا
(شبر، ۱۴۰۹: ج ۵، ۲۰۵)

ای حجت خدا ای پسر عسکری علیه السلام! تلخی‌هایی که ما به آن دچار شده‌ایم، می‌بینی / ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله وفادارت را رها ساز؛ چراکه عرصه تنگ شده است و مقاصدش بر او خیانت کرده است.

ملاحظه کردیم که شاعران - که از ظلم و جور زمانه به تنگ آمده‌اند - دست به قلم برده و از وضعیت نابه‌سامان جوامع شکوه کرده‌اند و - همان‌طور که در اشعارشان پیداست - آنان تنها یک راه را برای نجات خویش و دیگر مردم زمانه پیش روی خود می‌بینند و آن هم چیزی نیست جز ظهور امام زمان‌شان. از این‌رو ملت‌مسانه و عاجزانه از خدای خویش تعجیل در ظهور مولای‌شان را می‌طلبند تا به پا خیزد، حق مظلومان را بازستاند، ظالمان را به خاک ذلت نشاند، حکومتی سرشار از عدل و داد را بنیان نهد و آنان را از این وضعیت رنج‌آور و تأسف‌بار رهایی دهد. هم‌چنان‌که شریف مرتضی به این امر اشاره دارد:

وَلَا بُدَّ مَنْ يَوْمَ بِهِ الْجَوُّ أَغْبَرَ وفيه الثرى من كثرة القتل أحمر
وَأَنْتُمْ بِمُجْتَازِ السَّيُولِ كَأَنْكُمْ هَشِيمٌ أَبَدِي الْعَاصِفَاتِ مُطِيرٌ
فَتَهْبِطُ مِنْكُمْ أَرْؤُسُ كُنَّ فِي الدَّارِ وَيَخْبُولُكُمْ ذَاكَ اللَّهَيْبُ الْمَسْحَرُ
وَيَتَأَثَّرُ مِنْكُمْ ثَأْتِرُ طَالٍ مَطْلُهُ وَقَدْ تَظَفَّرَ الْأَيَّامُ مِنْ لَيْسَ يَظْفَرُ

(شبر، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۷۵)

بی‌شک روزی خواهد آمد که در آن به خاطر کثرت جنگ آسمان تیره و تاریک و زمین به خاطر کثرت خون و خون‌ریزی سرخ‌گون خواهد شد / در آن روز و شما در گذرگاه سیل‌ها، گویی گیاهان خشک هستید که در دست بادهای تند به هوا فرستاده می‌شوید (باد شما را به هر کجا بخواهد می‌برد) / سرهای شما که در بالا قرار داشت پایین می‌افتد و آتش شعله‌ور برای شما خاموش می‌گردد / و انتقام‌گیرنده‌ای که مهلت آمدنش طولانی شده، از شما انتقام می‌گیرد و گاهی روزگار بر کسی که هرگز مغلوب نمی‌شود، پیروز می‌گردد.

برپایی حکومت عدل

جامعه‌ای که به عدالت مهدوی دلبسته است و آرمانش تحقق عدالت در همه جهان و برچیده شدن ظلم و ستم از همه زمین است، حرکتی عدالت‌خواهانه را در پیش می‌گیرد و برای آن، زمینه‌سازی می‌کند. (بالادستیان، ۱۳۹۳: ۲۲) از جمله مهم‌ترین اقدامات امام عصر علیه السلام پس از ظهور، برپایی حکومتی مبتنی بر عدل و داد الهی است. ایشان بساط ظلم

و جور را درهم خواهد پیچید و دنیایی آکنده از عدالت، راستی و درستی، محبت و دوستی و معرفت را محقق خواهد ساخت. آری؛ عدالت، مهم‌ترین شعار مهدویت است. همه مردم - به ویژه ستم‌دیدگان و مظلومان جهان - چشم در انتظار ظهور موعودی به سر می‌برند تا ظلم و ستم و طغیانگری را ریشه کن کند و عدل و عدالت را حکمفرما نماید. امام رضا علیه السلام از برپایی ترازوی عدل آن حضرت یاد می‌کند و می‌فرماید:

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا
(مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۵۲، ۳۲۲)؛

آن هنگام که [مهدی عجله الله تعالی فرجه الیوم] ظهور نماید زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و ترازوی عدالت را در میان مردم قرار می‌دهد و هیچ کس به دیگری ستم نمی‌کند.

و عده حاکمیت جهانی صالحان تنها در اسلام مطرح نشده است، بلکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)؛
و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

واژه کتب به معنای قطعی کردن مسئله مورد بحث است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱، ۶۹۹) و آن چه در زبور آمده است عبارت است:

و نهالی از تنه یسی بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت؛ یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود دآوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود، بلکه مسکینان را به عدالت دآوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت و کمربند کمرش عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پراوری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهند راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاوگاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت. (اشعیاء نبی، باب ۱۱، فقره ۱-۹، ۱۰۲۱)

چنین عدالت جهانی و آرامش سراسری که همه انسان‌ها و حیوانات در کنار هم در صلح و صفا زندگی کنند، تاکنون رخ نداده و این وعده خداوند باید در آینده تاریخ محقق گردد.

«ظهور مهدی موعود غلبه حق بر باطل در کل جهان است، هر قوم راجع به آینده جهان نظری دارند، آینده جهان در نظر اسلام، فرج عمومی و تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام است.» (قریشی، ۱۳۷۱: ۷۵۲) از برکات وجود شریف آن حضرت این است که امنیت را در زمین منتشر می‌کند تا این که آرامش کلی را بین همه موجودات متضاد - یعنی انسان و حیوانات و وحوش - برقرار می‌کند؛ نفاق و دشمنی در میان همه از بین می‌رود؛ وحوش، مارها و دیگر جانوران در کنار هم با انسان‌ها زندگی می‌کنند و هیچ یک از دیگری آسیبی نمی‌بینند و به دیگری آسیبی نمی‌رسانند (حسینی، ۱۹۸۵: ۲۷۸). تأمین عدالت اجتماعی و پدید آمدن رفاه اقتصادی در زمان ظهور دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام یکی دیگر از معارف مہدویت در عرفان اسلامی است که در رهاورد عرفانی بزرگان اهل معرفت عنوان شده است. شاعران منتظر نیز - که چشم انتظار برپایی حکومت جهانی مهدی موعود علیه السلام هستند - در این باره اشعاری سروده‌اند. آنها همچون سایر مسلمانان بی آن که امید از کف دهند از اشتیاق شان برای دیدار امام عصر علیه السلام سخن می‌گویند و در انتظار روزی به سر می‌برند که در آن هیچ ستم و تبعیض و تعدی نیست. آنان بی صبرانه چشم به راه تحقق حق و عدل هستند. سید رضا هندی با وجود طولانی شدن زمان غیبت، به طلوع فجر ظهور منجی موعود امیدوار است؛ همان قائمی که بساط جور را درهم می‌پيچد و عدالت را جایگزین آن می‌کند:

ثُمَّ الزَّكِي وَمَنْ يَرْضَى بِنَهْضَتِهِ أَنْ يَظْهَرَ الْعَدْلُ بَيْنَ السَّهْلِ وَالْجَبَلِ
إِنِّي بِحَبِّهِمْ يَا رَبِّ مُعْتَصِمٌ فَأَغْفِرْ بِحُرْمَتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِي

(شبر، ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۰۶)

سپس امام پاک و هر کسی که به نهضت او خشنود است و عدالت را بین تمامی زمین آشکار می‌سازد / ای پروردگار پاک همانا من دوستدار و عاشق آنان هستم و پس به حرمت آنان مرا در روز قیامت بیامرز.

خزاعی نیز در این باره چنین می‌گوید:

فَلَوْلَا الَّذِي أَرْجُوهُ فِي الْيَوْمِ أَوْغِدِ تَقْطَعُ نَفْسِي إِثْرَهُ حَسْرَاتِي

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مُحَالَهُ خَارِجٌ	يَقُومُ عَلَى إِسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ
يَمِيزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ	وَيَجْزِي عَلَى التَّعْمَاءِ وَالنَّقَمَاتِ
فَيَا نَفْسَ طَبِيبِي ثُمَّ يَا نَفْسَ أَبْشِرِي	فَغَيْرُ بَعِيدٍ كُلُّ مَا هَوَاتِ
وَلَا تَجْزَعِي مِنْ مُدَّةِ الْجَوْرِ أَتْنِي	أَرَى قُوتِي قَدْ أَذْنَتِ بِثَبَاتِ
فَإِنْ قَرَّبَ الرَّحْمَنُ مِنْ تِلْكَ مُدَّتِي	وَأَخَّرَ مِنْ عُمْرِي وَوَقْتِ وَفَاتِي
شَفِيتُ وَلَمْ أَتْرُكْ لِنَفْسِي غَصَّه	وَرَوَيْتُ مِنْهُمْ مَنْصَلِي وَفَنَاتِي

(شبر، ۱۴۰۹: ج ۱، ۲۹۹)

اگر امید و آرزوی کسی که امروز یا فردا خواهد آمد، نبود قلبم از درد و اندوه پاره می‌شد / اما بی‌شک خواهد آمد در حالی که قیام او با برکت‌های الهی همراه خواهد بود / اوحق و باطل را در میان ما آشکار خواهد کرد و به همه زشتی‌ها و بدی‌ها پاداش خواهد داد / پس ای جان، آسوده خاطر باش و بشارت برتوباد که آن‌کس خواهد آمد، آمدنش دیر نیست / و از طولانی شدن ظلم و ستم نالان نباش. همانا قدرت و توانم هم چنان پایدار است / اگر خداوند رحمان آن زمان را نزدیک گرداند و بر عمر من بیفزاید / شفا یافته و بلاها را از خود دور می‌سازم و شمشیر و نیزه‌ام را از خون آنان - دشمنان - سیراب می‌سازم.

اجرای عدالت جزء اساسی‌ترین اهداف و انگیزه‌های الهی انبیاء و اولیاء و مصلحان الهی در طول تاریخ بوده است و هم‌چنین اجرای عدالت در حکومت عدل گستر جهانی نیز به عنوان اصل بنیادین مطرح است و در روایات متعدد بر آن تأکید شده و بزرگان اهل عرفان نیز با استناد به روایات و معارف شهودی خود اظهار داشته‌اند که خداوند خلیفه‌ای دارد که روزی ظهور می‌کند و زمین را که از ظلم و بیداد پُر شده است، از عدل و قسط پُر می‌نماید و اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی بماند، خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا این خلیفه الهی که از عترت رسول خدا ﷺ و از فرزندان فاطمه علیها السلام و هم‌نام پیامبر است ظهور نماید. بنابراین جریان عدالت‌گستری جزء اهداف اساسی دولت کریمه و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است. شایان ذکر است که گرچه برداشت عمومی از تأمین عدالت در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام معمولاً اجرای عدالت اجتماعی و اصلاح امور اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت‌های عمومی است، اما حقیقت آن است که با ظهور آن مصلح کل، عدالت و اصلاح در تمام شؤون هستی و نظام آفرینش پدید می‌آید، پیشه و

عمر آوند

سال دهم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۶

اندیشه بشری اصلاح می‌شود و عقل انسان در هر دو بعد علمی و عملی تکمیل می‌شود. یکی از بارزترین جلوه‌های اصلاح فکری و تامین عدالت فرهنگی، احیای معارف قرآن و دستورات آسمانی است که در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام به اجرا درمی‌آید. لذا می‌توان گفت حضرت مهدی علیه السلام ذخیره عالم برای به وجود آوردن مدینه فاضله الهی و انسانی است.

نتیجه‌گیری

با بررسی اشعار مهدوی در پنج جلد نخست از مجموعه ده جلدی *ادب اللف* نتایج زیر حاصل شد:

مهم‌ترین موضوعاتی که شاعران در خصوص امام زمان علیه السلام به تصویر کشیده‌اند، عبارتند از: غیبت و انتظار، مدح و ستایش حضرت مهدی علیه السلام به عنوان مصلح جهانی و منتقم اهل بیت علیهم السلام:

۱. شاعران به سبب ارادت و علاقه‌ای که به اهل بیت و ائمه معصوم علیهم السلام از جمله حضرت مهدی موعود علیه السلام دارند، آرزومند هستند که رخسار مبارک آن حضرت را زیارت کنند. به باور آنها امام هر چند از نظرها غایب است، اما بر اعمالی که آشکارا و در نهان انجام می‌دهیم، آگاه است و شاهد بر رفتار و گفتار ماست.

۲. شاعران، آمدن امام را مصادف با آمدن شادی و روشنی و برافراشته شدن پرچم پیروزی می‌دانند. شاعران مورد پژوهش در ابیات مهدوی خود در حقیقت، موعودباوری را با ملموس‌ترین احساس‌ها همراه می‌کنند. اوج‌گیری منتظرانه‌ای که در نهایت با عاشقانه‌ترین پیامد معنوی همراه می‌شود. مقدس‌ترین لحظه‌ای که شاعران را به فغان و می‌دارد. آنها با تلفیق التذاذ روحی - روانی انتظار و فراق، پربسامدترین شوق انتظار را بر دوش افعالی افکنده که با بافتی هنرمندانه اوج احساسات خود را صراحتاً بر زبان آورده و آرزو می‌کنند که مهدی موعود علیه السلام بیاید و با نابودی ظلم و ستم، تحوّل عمیقی را در کائنات پدید آورد.

۳. وقتی صحبت از «انتظار» و «منتظر» می‌شود؛ در حقیقت ادبیاتی را می‌طلب که در آن ذائقه‌ها و نگاه‌ها به مقوله تأثیرگیری و تأثیرپذیری آن از زبان «احساس و قالب» از طریق مفاهیم عرفانی - دینی در باور ادبیات به منصفه ظهور رسد، چرا که ادبیات «انتظار» ادبیاتی

است که با زبان بلیغ و رسای خود شعرآیینی را رونق می‌بخشد. قیام برای انتقام و خون‌خواهی به شکل محسوس و ملموسی در شعر شعرا جانمایه گشته و جنبش‌های احساسی - روحی عمیقی را به دنبال داشته است، احساس‌هایی که خداوندگاران سخن در شعر و ادبیات به کار می‌گیرند، در حقیقت برجسته‌ترین و باشکوه‌ترین آموزه‌های دینی (اصالت‌ها و ارزش‌ها، سجایای اخلاقی، باورهای قلبی - آسمانی) خود را در نمودار شعر لحاظ می‌کنند.

۴. شاعران از مصیبت عظیم کربلا می‌گویند و از امام عصر علیه السلام عاجزانه طلب می‌کنند به پا خیزد و تقاص خون به ناحق ریخته شده مولا و سرورشان امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش را بازستاند؛ زیرا شیعه هم‌چنان عزادار و سیه‌پوش مولایش حسین علیه السلام است و داغی کهنه و بزرگ از آن مصیبت عظیم بر سینه دارد. منجی و موعودی که بساط ظلم را برچیند و حکومتی سرشار از عدل و داد را به ارمغان آورد. موعود مسلمانان نیز مهدی منتظر علیه السلام است. شاعران *ادب‌الطف* با سرودن اشعار مدحی، ارادت خالصانه خود را به ساحت مقدس حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام ابراز داشته‌اند.

۵. غیبت امام، یکی از موضوعات اشعار این شاعران است. آنان از حزن و رنجوری و سرگردانی خویش در دوران غیبت می‌گویند و در فراق، گریه سر می‌دهند و ندبه می‌کنند. اما ایمان به منجی غایب، جرقه امیدی در درون‌شان است. از این‌رو ناامید نمی‌شوند و بی‌صبرانه در انتظار مولای‌شان زمانه را سپری می‌کنند و می‌دانند که همانا بعد از هر سختی، آسانی است.

منابع

قرآن کریم

کتاب مقدس

- ابن عربی، محمد بن علی، *دیوان الاکبر*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۹ م.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ ق.
- اختری، عباسعلی، *نقش انتظار در سیر تاریخ*، تهران، انتشارات مؤسسه الامام المهدی، ۱۳۶۰ ش.
- اسدی، کمیت بن زید، *دیوان*، تدوین: محمد نبیل الطریفی، بیروت، دارصادر، ۲۰۰۰ م.
- امینی، ابراهیم، *دگستر جهان*، قم، انتظارات شفق، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ ش.
- انجمن کتاب مقدس، *کتاب مقدس*، انجمن کتاب مقدس ایران، دوم، ۱۹۸۷ م.
- بالادستیان، محمد امین و حائری پور، محمد مهدی ویوسفیان، مهدی، *نگین آفرینش*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، پنجاه و نهم، ۱۳۹۳.
- پدرقمی، ناصر، *شعرو سیاست و سخنی درباره ی ادبیات ملتزم*، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۵۵.
- حامدی، محمد مهدی، *دشمنان مهدویت، چرا و چگونه*، تهران، نسل کوثر، ۱۳۸۶ ش.
- حاجتی، محمد باقر، *اسباب النزول*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
- حسینی، سید جواد سید حسین، *الامام المهدی و ظهوره*، کویت، السالمیه، مکتبه دار الارشاد، ۱۹۸۵ م.
- حکیمی، محمدرضا، *خورشید مغرب*، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۶۰ ش.
- خزاعی، دعبل، *دیوان*، تحقیق: عبدالصاحب الدجیلی، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۹۷۲ م.
- سیاحی، صادق، *الادب الملتزم بحب اهل البيت*، تهران، انتشارات سمت، دوم، ۱۳۸۵ ش.
- سیفی، محسن و سلطانی فرد، اسما؛ تجلی امام عصر علیه السلام در آینه شعر معاصر عربی، *فصل نامه پژوهش های مهدوی*، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۹۲.
- شبّر، سید جواد، *ادب الطف أو شعراء الحسين*، بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۰۹.
- صدر، سید محمد باقر، *امام مهدی علیه السلام حماسه ای از نور*، ترجمه و تصحیح: کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، انتشارات مؤسسه الامام المهدی، ۱۳۹۸ ق.

- قائمی، علی، نگاہی به مسئلہ انتظار، قم، انتشارات ہجرت، بی تا.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، قم، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
- قریشی، سید علی اکبر، خاندان وحی، بی جا، نشر دارالکتب الاسلامیہ، دوم، ۱۳۷۱.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تہران، المكتبة الاسلامیہ، ۱۳۸۴.